

- Systems under indirect observation*, pp. 174-149, Amsterdam: North Holland.
- Brown, T. A., (2006), *Conformatory factor analysis for applied research*, NY: The Guilford Press.
- Byrne, B. M., (2010), *Structural equation modeling with Amos*, NY: Routledge.
- Cochran, W. G., (1977), *Sampling Techniques*, NY: John Wiley & Sons.
- Cohen, J., (1998), *Statistical power analysis for the behavioral sciences*, Hillsdale, NJ: Earlbaum.
- Conway, F., (1967), *Sampling: an introduction for social scientists*, London: Allen and Unwin Ltd.
- Dattalo, P., (2008), *Determining Sample Size' Balancing Power, Precision, and Practicality*, USA: Oxford University Press.
- Deming, W. E., (1950), *Some Theory of Sampling*, NY: John Wiley & Sons.
- Everitt, B. S., (2002), *The Cambridge Dictionary of Statistics*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Hair, J. F., Black, W., Babin, B., & Anderson, R. E., (2009), *Multivariate data analysis*, NJ: Prentice Hall.
- Hoogland, J. J., & Boomsma, A., (1998), Robustness studies in covariance structure modeling: An overview and a meta-analysis, *Sociological Methods & Research*, 26, 329-367.
- Hoyle, R. H., & Panter, A. T., (1995), Writing About Structural equation models. In R. H. Hoyle (Ed). *Structural Equation Modeling: Concepts, Issue, and Applications* (pp. 158-176). Thousand Oaks, CA: Sage.
- Kline, R. B., (2010), *Principles and Practice of Structural Equation Modeling*, NY: Guilford Press.
- Loehlin, J. C., (2004), *Latent Variable Models*, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- Mac Callum, R. C., Widaman, K. F., Preacher, K.J., and Hong, S., (2001), Sample Size in Factor Analysis. The role of model error, *Multivariate Behavioral Research*, 36, 611-637.
- Marsh, H. W., Balla, J. R., & MacDonald P., (1988), Goodness-of-fit Indexes in Confirmatory Factor Analysis: The effect of Sample Size, *Psychological Bulletin*, 88, 245-258.
- Maxwell, S. E., & Coel, D. A., (1995), Tips for Writing Methodological Articles, *Psychological Bulletin*, 118, 193-198.
- Mueller, R. O., (1996), *Basic Principles Modeling*, NY: Springer.
- Muth n, L. K., & Muth n, B. (2002), How to Use a Monte Carlo Study to Decide on Sample Size and Determine Power, *Structural Equation Modeling*. Vol. 9, N. 4, pp. 599-620.
- Saris, W. E., & Stronkhorst, H., (1984), *Causal Modeling in Nonexperimental Research*, Amsterdam: Sociometric Research Foundation.
- Satorra, A., & Saris, W. E., (1985), Power of the Likelihood Ratio Test in Covariance Structure Analysis, *Psychometrika*, 50, 83-90.

نظریه‌سازان پسامدرن جامعه‌شناسی در فرانسه :

کالج جامعه‌شناسی، ادگار مورون، میشل مافزولی، برونو
لاتور

اشتفان موبیوس¹

ترجمه: کرامت‌الله راسخ²

(تاریخ دریافت 90/10/26، تاریخ پذیرش 91/5/2)

1. مقدمه

اگر جامعه‌شناسی معاصر فرانسه را دقیق‌تر بررسی کنیم، نکته‌ای توجه ما را به خود جلب می‌کند، و آن تردید در باره امکان دستیابی به درک نظام‌یافته از مفهوم جامعه است.³ شک در باره تصور از جامعه به منزله تمامیت و ساختمانی متشکل از ساختارها، نهادها و روابط اجتماعی با انتقادهای اخیر افرادی مانند پیر بوردیو یا آلن تورن از جامعه‌شناسان کلاسیک در این کشور ارتباط نزدیک دارد. گرایش دیگری که در کنار اختلاف نظر در باره فهم نظام‌یافته از جامعه در جامعه‌شناسی فرانسه موجود هست، سوژه و فردی کردن جنبه اجتماعی است که در جریان آن وجوه اجتماعی تا سطح ساخت‌های فردی، تجربه ذهنی و کنش‌های متقابل خرد اجتماعی تقلیل داده می‌شود. طیف‌گسترده‌ای از جامعه‌شناسان فرانسوی را می‌توان در ردیف افرادی قرار داد که از این جریان حمایت می‌کنند: از برنارد لاهیر⁴

¹ اشتفان موبیوس متولد 1973، همکار علمی مؤسسه جامعه‌شناسی دانشگاه البرت - لودویگ در فرایبورگ، آثار: اخلاق پسامدرن و جامعه‌جویی، 2001؛ زیمل بخوانید، 2002؛ ساخت اجتماعی «دیگر»، مبانی علوم اجتماعی پس‌ساختارگرایی، 2003؛ تاریخ جامعه‌شناسی در عمل، 2004؛ جامعه‌شناسی معاصر در فرانسه (با همکاری ای. پیتر)، 2004؛ کارآموزان جادوگری، تاریخ جامعه‌شناختی کالج جامعه‌شناسی، 2005. Moebius, Stephan, 2005, Postmoderne Theoretiker der französischen Soziologie, in: Dirk Kaesler (Hrsg.), Aktuelle Theorien der französischen Soziologie, von Shmuel N. Eisenstadt bis zur Postmoderne. München: Beck-Verlag, 64-80.

² دانشگاه آزاد اسلامی واحد جهرم، گروه جامعه‌شناسی، جهرم

³ vgl. Moebius/Peter (Hrsg.) 2004

⁴ Bernard Lahire

و ژان_کلود کافمن،¹ که از هواداران ذهنی و فردی کردن جنبه اجتماعی هستند، تا نظریه‌سازان پسامدرن جامعه‌شناسی در فرانسه که بر فرایندهای اجتماعی فردی شدن و انعطاف‌پذیری، فروریختگی² اجتماعی و عدم ثبات تأکید دارند، به طوری که در چارچوب این رویکرد دیگر از جامعه نظام‌یافته، با ثبات و متمایز از دیدگاه کارکردی و نهادی نمی‌توان سخن گفت. این‌ها تردید دارند که جامعه کنونی را بتوان جامعه «مدرن» نامید. البته مفهوم «پسامدرن» با تعبیر این‌ها، به معنای «پایان مدرن»، شروع عصر جدید و حتی «پایان تاریخ» نیست، بلکه بیشتر تلاش دارند پسامدرن را «به شیوه ای خاص در مقابل و در قیاس با مدرن تعیین و تعریف کنند»³. هدف نظریه‌سازان پسامدرن جامعه‌شناسی فرانسه یافتن گزینه‌ای در برابر جامعه‌شناسی امروزی و «پایان دادن به روایت‌های بزرگ»⁴ است، البته «پسامدرن» با این تعبیر مدل فکری برای انحلال مدرن نیست، بلکه تلاش برای تعریف مدرن به شکلی است که «موضوع پروژه مدرن، ارکستری محدود و قابل دسترسی از واقعیت»⁵ باشد. پسامدرن مفاهیمی مانند «دوگانگی»⁶، «فروپاشی»⁷، «قوة تخیل»⁸، «دورگی»⁹، «فوق‌پیچیدگی»¹⁰، «هرج و مرج»¹¹، «خلسه»¹² و «ساخت»¹³ را جایگزین

¹ Jean-Claude Kaufmann

² Desintegration

³ Bürger 2000, S.8

⁴ Lyotard 1979

⁵ Eßbach 1995, S.147

⁶ Ambivalenz/ambivalence

⁷ Fragmentarisierung / fragmentation

⁸ Imagination/imagination

⁹ Hybridisierung / hybridization

¹⁰ Hyperkomplexität/hypercomplexity

¹¹ Chaos/chaos

¹² Ekstase/ecstasy

¹³ Konstruktion/construction

مقولات مدرن مانند «کار»، «توسعه»، «خرد»، «طبیعت» و «نظم» کرده است. منشا تفکر پسامدرن به جنبش‌های آوانگارد در دوران میان دو جنگ اول و دوم جهانی (مکتب دادا، سوررئالیسم و کالج جامعه‌شناسی) برمی‌گردد.

ادگار مورن، میشل مافزولی و برونو لاتور، همچنین ژان بودریار، از جمله نظریه‌سازان پسامدرن جامعه‌شناسی کنونی در فرانسه هستند. کالج جامعه‌شناسی¹ که در سال 1937 توسط ژرژ باتای²، روژه کالوا³ و میشل لریس⁴ بنیان گذاشته شد، نخستین جلوه و نقطه ارجاع جامعه‌شناسی پسامدرن در فرانسه است، پس با بررسی کالج آغاز می‌کنیم.⁵

2. کالج جامعه‌شناسی

2.1 بازیگران اصلی

2.2 ژرژ باتای

ژرژ باتای (1897-1962) مغز متفکر اولیه کالج جامعه‌شناسی¹⁰ سپتامبر 1897 در بیون⁶ واقع در منطقه پوی دُوم⁷ در خانواده دهقان ثروتمندی به دنیا آمد. باتای 1917 تا 1922 در «مدرسه بررسی اسناد»⁸ درس کتابداری و نگهداری از مدارک خواند و پس از پایان

¹ Collège de Sociologie (1937-1939)

² Georges Bataille

³ Roger Caillois

⁴ Michel Leiris

⁵ Moebius 2003; 2005a; 2005b

⁶ Billom

⁷ Puy-de-Dome

⁸ École des Chartes

تحصیل در سال 1924 در کتابخانه ملی کتابدار شد. باتای در دهه 20 با جنبش سوررئالیستی اطراف آندره برتون¹ آشنا و به آن پیوست و در اواخر همین دهه محفلی از «منتقدین» سوررئالیست (میشل لریس، روژه کالوا، آندره ماسون) را در اطراف خود جمع و اقدام به انتشار گاهنامه‌های آوانگارد گوناگون² کرد که سبب تحکیم جایگاه او در میان سوررئالیست‌ها شد. باتای علاوه بر پرداختن به مسائل اجتماعی، قصه‌های کوتاه و رمان می‌نوشت، به فلسفه علاقه داشت و از سال 1934 در سمینار هگل شرکت می‌کرد که در آن دوران از شهرت برخوردار بود و الکساندر کوژو³ آن را اداره می‌کرد. او در دهه 30 با توجه به تهدید فاشیسم به فعالیت سیاسی خود افزود و در گروه‌های سیاسی گوناگونی شرکت کرد که آن جمله می‌توان به «محل دموکراتیک کمونیستی»⁴ و گروه «ضد حمله»⁵ اشاره کرد که او با برتون آن را بنیان گذاشت. باتای در سال 1933 دو مقاله نوشت که برای درک تفکر او از اهمیت خاص برخوردارند: «ساختار روان‌شناختی فاشیسم» و مقاله‌ای با الهام از مارسل موس⁶ تحت عنوان «مفهوم احسان». او تقریباً همزمان با مشارکت در تأسیس کالج جامعه‌شناسی در سال 1936 انجمن مخفی «اسیفال»⁷ [بی‌کله] را بنیان گذاشت که جایی برای تمرین شیوة زندگی و کسب تجربه جدید به حساب می‌آمد. پس از جنگ دوم جهانی باتای در سال 1951 به ریاست کتابخانه اورلئان¹ منصوب و یک سال بعد شهسوار لژیون دونور شد و در 9 جولای 1962 در پاریس از دنیا رفت.

2.3 روژه کالوا

¹ André Breton

² 1929 Documents; 1936 Acéphale; 1946 Critique

³ Alexandre Kojève

⁴ Cercle Communiste Démocratique

⁵ Contre-Attaque

⁶ zu Mauss vgl. Krämer

⁷ Acéphale

روژه کالوا (1913-1978) در سوم مارس 1913 در رنس² در خانواده طبقه متوسط پائین به دنیا آمد. او از دوران دبیرستان در نشریه «بازی بزرگ»³ فعالیت می‌کرد و از سال 1932 تا 1934 عضو جنبش سوررئالیستی بود، ضمن آن که از سال 1933 در سمینارهای کوژو، موس و اسطوره شناس، ژرژ دومزیل و همچنین در کلاس درس روانکاو، ژاک لاکان، شرکت می‌کرد و در همین محافل بود که با ژرژ باتای آشنا شد. کالوا در سال 1936 با تریستان تزارا⁴، لوئی آراگون⁵ و ژول مارسل مونرو⁶ نشریه «استنطاق»⁷ را بنیان گذاشتند، ضمن آن که او همزمان در نشریه «اسیفال» نیز مقاله می‌نوشت و در کنار باتای و لریس یکی از افراد اصلی کالج جامعه‌شناسی به حساب می‌آمد. کالوا در سال 1939 برای سخنرانی به آرژانتین دعوت شد و پس از شروع جنگ دوم جهانی در آنجا ماند و گاهنامه ادبیات فرانسه را در آن کشور منتشر و همچنین موسسه فرانسوی تحصیل عالی در بوینس آیرس را بنیان گذاشت، البته در ضمن فعالیت سیاسی هم می‌کرد و در سال 1940 در کمیته برای حمایت شارل دو گل شرکت کرد. کالوا پس از پایان جنگ، نخست 1948 کارگزار دفتر افکار در یونسکو و 1967 «مدیر بخش توسعه فرهنگی» این سازمان شد. او 1972 عضو آکادمی فرانسه شد و در سال 1978 جایزه ملی بزرگ ادبی، جایزه مارسل پروست و جایزه مطالعات ادبی را برد و سرانجام در 21 دسامبر 1978 در پاریس در گذشت.

2.4 میشل لریس

¹ Orléans

² Reims

³ Le Grand Jeu

⁴ Tristan Tzara

⁵ Louis Aragon

⁶ Jules-Marcel Monnerot

⁷ Inquisitions

میشل لریس (1901-1990) در 20 آوریل 1901 در پاریس در خانواده بورژوازی به دنیا آمد و در خانه و مدرسه به سبکوسباق کاتولیک‌ها تربیت شد. لریس در اوایل دهه 20 با نقاش سوررئالیست، آندره ماسون، آشنا و دوست شد و ماسون او و دوستش ماکس ژاکوب¹ را تشویق به نوشتن کرد. همین آشنایی سبب شد تا او در سال 1924 به سوررئالیست‌ها ملحق و با باتای آشنا شود، لیکن چند سال بعد، در سال 1929، از سوررئالیست‌ها برید و با مارسل گریول² پا به دنیای قوم‌شناسی گذاشت و در سفر تحقیقاتی داکار_جیبوتی (1931-1933) شرکت کرد. لریس پس از بازگشت از سفر یادداشت‌های شخصی‌اش را تحت عنوان «شبح افریقا»³ در سال 1934 منتشر کرد که ترکیبی از تجارب ذهنی، زندگی‌نامه شخصی و تحقیق میدانی بود و او در نوشتن آن تحت تأثیر اندیشه‌های قوم‌شناختی ساختارگرایانه کلود_لوی اشتروس قرار داشت که مصداق بارز این نوع نگارش در «غمزده‌های گرمسیری»⁴ (1955) اشتروس دیده می‌شود. البته او فقط از اشتروس تأثیر نپذیرفت، بلکه او شاگرد موس بود و منظم در سمینارهای او شرکت می‌کرد. لریس تحت تأثیر افکار این‌ها و با همکاری الفرد مترو⁵ نظریه «انسان‌گرایی فعال» را تکامل داد که به مبارزه با نژادپرستی تعهد داشت. نوشته‌های لریس عمدتاً شامل گزارش‌های شخصی و مقالاتی در قوم‌شناسی و هنر است، ضمن آن‌که او با نشریه «عصر جدید»⁶ نیز همکاری می‌کرد و دستی هم در شعر و شاعری داشت و طرحی هم از «نظم کامل»⁷ تهیه کرد، نظمی متعهد به تحقق دنیای انسانی در راه رسیدن به «انسان کامل» (موس). لریس 30 سپتامبر 1990 در سن هیلر⁸ واقع در منطقه اسون¹ از دنیا رفت.

¹ Max Jakob

² Marcel Griaule

³ L'Afrique fantome

⁴ Tristes Tropiques

⁵ Alfred Metraux

⁶ Le Temps modernes

⁷ totale Poesie

⁸ Saint-Hilaire

2.5 جامعه‌شناسی قدسی کالج جامعه‌شناسی

باتای، کالوا و لریس در مارس 1937 کالج جامعه‌شناسی را بنیان گذاشتند. نشست‌های کالج تا ژوئیه 1939 ادامه پیدا کرد. کوژو، ژان وال² فیلسوف، مترجم پیر کلسوسوسکی³، شاگرد موس آناتولی لویتسکی⁴، شخص‌گرا⁵ دنیس روگمونت⁶، ناشر موقت گاهنامه جدید فرانسوی⁷ ژان پولان⁸ و سه مهاجر تبعیدی آلمانی شاگرد ماکس شلر، پل لودویگ لندزبرگ⁹، دانشمند ادبیات هانس مایر¹⁰ و فیلسوف والتر بنجامین¹¹ کسانی بودند¹² که علاوه بر بنیانگذاران، اعضای این محفل به حساب می‌آمدند.

اعضای کالج که می‌دیدند فاشیسم در اروپا موفق شده است با دامن زدن به هیجان توده‌ای مردم را برای پیشبرد اهداف خود بسیج کند. آن‌ها در صدد شناختن این پدیده بودند و در باره آن فکر می‌کردند. سرانجام به این نتیجه رسیدند که با تأسی به امیل دورکیم¹³ و شاگردانش رابرت دبلیو هرتس¹⁴ و مارسل موس با اعمال

¹ Essonne

² Jean Wahl

³ Pierre Klossowski

⁴ Anatole Lewitzky

⁵ Personalist

⁶ Denis de Rougemont

⁷ Nouvelle Revue Francaise

⁸ Jean Paulhan

⁹ Paul Ludwig Landsberg

¹⁰ Hans Mayer

¹¹ Walter Benjamin

¹² vgl. Hollier 1995

¹³ zu Durkheim vgl. Müller 2000

¹⁴ Robert W. Hertz

و عناصری که منجر به هیجان جمعی می‌شود و همچنین تخیل مردمان دیگر آشنا شوند و با آوردن آن‌ها به درون فرهنگ و جامعه خود حیات تازه‌ای به جامعه بدهند. هدف آن‌ها این بود که جامعه بحران زده و اتمی شده فرانسه در فاصله بین دو جنگ جهانی را از این طریق متحول و آن را برای ایستادگی در مقابل تهدید فاشیسم آماده کنند. نمایندگان کالج معتقد بودند که انسجام اجتماعی در جوامع مدرن تضعیف شده و همین سبب شده است تا مردم برای پذیرش تبلیغات فاشیستی و تحریکات توده‌ای آماده شوند. بنابراین آن‌ها در صد شکل دادن به جماعت‌های داوطلبانه با محور قدسی (تحریکات جمعی، احسان و اسطوره‌ها) بودند تا نه فقط سپر دفاعی در برابر فاشیسم ایجاد کنند، بلکه پاسخ‌گویی به نیاز انسان‌ها به هیجان و ارتباط انسانی را در بست و کاملاً به راست‌های سیاسی واگذار نکنند.

اعمال جمعی و به دنبال آن هیجان جمعی باید زمینه را برای تحول در جامعه دستخوش بی‌سامانی فراهم کند، به همان شکلی که اعضای مکتب دورکیم در میان جوامع و فرهنگی‌های باستانی گوناگون مشاهده کردند. کالج در تلاش برای خلق انسجام اجتماعی و پیوندهای جماعتی جدید به جلوه‌های جمعی قدسین دو قطبی و احسان اهمیت خاص می‌داد، به همان شکلی که در آثار موس¹ تشریح شده بود.

درک اعضای کالج از مفهوم «قدسی»² فهم متعارف نیست. آن‌ها با این مفهوم می‌خواهند به جنبه احساسی، عاطفی، غیرمنطقی و احساس گناه انسان اشاره کنند که جلوه‌های آن در نمادین کردن (مراسم) مرگ، رویاها، اطعام مساکین، تحریکات جمعی و نذورات مذهبی، و همچنین احساس ناتوانی در هنگام گرفتار آمدن در تنگناها، احساس بیهودگی، روابط جنسی، جنبه‌های زیباشناختی، از خودبی خود شدن، رقص، جنون، تخیلات، قهر و اسطوره‌ها دیده می‌شود.

پس از دورکیم مفهوم «قدسی» دو جنبه پیدا کرد: «ناب» و «غیرناب». هرتس از جنبه‌های «راست» و «چپ» [منظور آن است که امر قدسی هم می‌تواند در خدمت جریان‌های راست و هم چپ سیاسی قرار گیرد] امر قدسی سخن می‌گوید. در چشم اعضای کالج این به آن معناست که قدسی - از دیدگاه لغت‌شناسی این مفهوم لاتینی به هر دو وجه

¹ Mauss 1925; 1904/05

² Sakrale

مقدس و غیرمقدس اشاره دارد - هم جاذب و هم دافع است. قدسی دارای قدرت دیونوسوسی است و می‌تواند با توجه به ساختار اجتماعی و تصورات جمعی ویرانگر و در عین حال سازنده باشد. باتای بر این عقیده است که امر قدسی در جوامع سرمایه‌داری بورژوازی از یک سو تأثیر ضد اجتماعی و ضد ساختاری دارد و از سوی دیگر از توانایی تحکیم انسجام اجتماعی برخوردار است و به جماعت شکل می‌دهد. اعضای کالج با طرح «جامعه‌شناسی قدسی»¹ در صدد نشان دادن این موضوع بودند که آن‌ها هر دو وجه مفهوم قدسی را در نظر دارند و صدد آن هستند تا با استفاده از مقوله قدسی اشکال جماعتی ضد بورژوازی را تقویت کنند.

اعضای کالج در انتقاد دورکیم به فردگرایی فایده‌گرایانه شریک بودند و مانند دورکیم معتقد بودند فردگرایی جامعه را ذره ذره می‌کند، به ناهنجاری دامن می‌زند و ویران کننده پیوندهای اجتماعی است. کالجه‌ها همچنین مانند دورکیم جامعه را چیزی بیشتر از اعضای تشکیل دهنده آن می‌دانستند و مانند او بر این نظر بودند که هیجان جمعی منبعت از ویژگی قدسی از عناصر سازنده جامعه است، لیکن در باره راه حل با دورکیم اختلاف نظر داشتند. اگرچه کالجه‌ها نیز مانند دورکیم به تجدید حیات نظم اجتماعی مدرن امیدوار بودند، لیکن نمی‌خواستند مانند دورکیم از راه‌های منطقی به این هدف برسند، بلکه می‌خواستند جامعه جدید را بر شانه اسطوره‌ها بنا کنند.

باتای و دوستان او در کالج تلاش داشتند نظریه هدیه موس را در فرهنگ و جامعه خودشان احیا کنند. هدف آن از بررسی فرهنگ‌های باستانی این بود که اعمال اجتماعی غیرفایده‌گرایانه و اشکال گوناگون از خودگذشتگی غیرمولد را در جوامع کشورهای صنعتی شناسایی کنند.

سرانجام کالج به دلیل شروع جنگ دوم جهانی و اختلاف نظرهای داخلی منحل شد: لریس به کالج انتقاد کرد که کالج از امر قدسی طوری فرضیه‌سازی می‌کند که گویی جنبه قدسی تنها اصلی است که می‌توان به کمک آن جامعه را توضیح داد. لریس معتقد است که چنین تأکیدی بر امر قدسی در مقابل مکتب دورکیم و به خصوص مفهوم

¹ Sakralsoziologie/sacral sociology

«پدیده تام» موس قرار می‌گیرد که فقط به پدیده مذهبی توجه نمی‌کرد، بلکه همچنین پدیده‌های حقوقی، اقتصادی و زیباشناختی نیز در نظر می‌گرفت.¹ کالج با تبلیغ از خودگذشتگی، کوشش برای تقویت روحیه جماعت‌گرایی و جست‌وجوی راه خلق هیجان از جمله نمایندگان فکری جریان پسامدرن به حساب می‌آید.

3. ادگار مورن

3.1. زندگی

ادگار ناحوم² (پس از پیوست به جنبش مقاومت نام خود را به مورن تغییر داد) 8 ژوئیه 1921 در پاریس در خانواده‌ای از یهودیان سفاری [یهودیان در اصل اسپانیایی] متولد شد. داستان خانواده اش قصه‌ای یک نواخت نیست: خانواده پدرش ایتالیایی بودند، لیکن پدرش در یونان به دنیا آمد و بعداً فرانسوی شد. مادرش وقتی او نه سال داشت درگذشت. این مرگ بر او تأثیر عمیق گذاشت و او سال‌ها احساس گناه می‌کرد. علاقه او به بررسی پیچیدگی زندگی و مرگ³ ناشی از همین تجربه تلخ است. جنگ داخلی در اسپانیا و تشکیل دولت مقاومت ملی در فرانسه سبب شد تا گرایش مورن به سیاست در دهه 30 تقویت شود که جلوه آن را می‌توان در پیوستن او به جنبش‌های صلح، جنبش ضد نظام پارلمان‌تاریسم، عضویت در حزب کمونیست و سرانجام عضویت در نیروی مقاومت ملی در مقابل آلمان‌ها دید. مورن به آثار فروید، باتای، لندسبرگ، هایدگر و اوتو را نک علاقه داشت و آن‌ها را به دقت مطالعه می‌کرد. پشتیبانی جامعه شناس ژرژ فریدمن، فیلسوفان موريس مرلو-پونتی و ولادیمیر جانکلویچ سبب شد تا او در «مرکز ملی تحقیقات علمی»⁴ به عنوان جامعه‌شناس شغلی پیدا کند. علت گرایش او به جامعه

¹ Leiris 1985, S. 240f.

² Nahum

³ Morin 1994, S.53

⁴ Centre National de la Recherche Scientifique - CNRS

شناسی این بود که او به دگرگونی جامعه امیدوار بود و فکر می‌کرد که نیاز به علمی است که بتوان به کمک آن تغییرات اجتماعی را مطالعه و بررسی کرد.¹ مورن مواضع ضد استالینی داشت و به همین دلیل از حزب کمونیست فرانسه اخراج و در سال 1954 کمیته مخالفت با جنگ الجزایر را بنیان گذاشت و از سال 1956 همراه با تعدادی از کمونیست‌های سابق گاهنامه آرگومان² را بنا نهاد و تحت تأثیر افکار گرگوری باتسون، هان فن فورستر³، هومبرتو ماتورنا، میشل سر⁴، گاستون باشلار، کارل پوپر، پل فیرآبند⁵، کورت گودل⁶ و لودویگ ویتگن‌اشتاین «جامعه‌شناسی زیست‌انسانی»⁷ و نظریه «فوق‌پیچیدگی»⁸ را تکامل داد. او اوایل دهه 70 رئیس مشترک «مرکز مطالعات فرارشته‌ای»⁹ در «مدرسه عالی مطالعات علوم اجتماعی»¹⁰ شد و این شغل را تا سال 1989 حفظ کرد و اکنون رئیس بازنشسته «مرکز ملی تحقیقات علمی» است. مورن در سال‌های اخیر جوایز گوناگونی را دریافت و دانشگاه‌های بسیاری به او دکترای افتخار داده‌اند. او همچنین موفق به دریافت نشان لیاقت لژیون دونور¹¹ شد.

3.2 آثار

¹ vgl. Morin 1994, S. 34

² Arguments

³ Heinz von Foerster

⁴ Michel Serres

⁵ Paul Feyerabend

⁶ Kurt Gödel

⁷ Bio-Anthropo-Soziologie/bio-anthropo-sociology

⁸ Hyperkomplexität/ hypercomplexity

⁹ Centre d' Études Transdisciplinaires

¹⁰ Ecole des Hautes Etudes en Sciences Sociales) (EHESS)

¹¹ Commandeur dans l'Ordre de la Légion d'Honneur

موضوع نخستین کتاب مورن پس از جنگ دوم جهانی کشور آلمان بود که او در آن جوانان، احزاب سیاسی، ساختار صنعتی و استقبال از مخالفان نازی‌ها و همچنین شایعه ضدحمله قریب الوقوع ارتش این کشور را بررسی کرد. مورن دوران اقامت خود در آلمان را «سال‌های آموزش انسان‌شناختی» و آغازی برای درک پیچیدگی‌ها و تضادها می‌داند. این کتاب همچنین حاوی ژرف اندیشی در باره مرگ به منزله وضعیت عمومی و محتوم انسان است. او با طرح این موضوع زمینه را برای تحریر کتاب انسان و مرگ در تاریخ¹ فراهم کرد که در سال 1951 منتشر شد و او در آن به تحلیل تاریخی، زیست‌شناختی، قوم‌شناختی، انسان‌شناختی و همچنین جامعه‌شناختی مرگ پرداخت. چشم‌انداز مورن از جامعه‌شناسی مانند کالجی‌ها میان رشته‌ای است. مطالعه او در باره مرگ نقطه آغاز «جامعه‌شناسی زیست‌انسانی» اوست. مورن در قالب فرضیه‌ای در این کتاب انسان را موجودی باز در برابر دنیا و توانا به هیجان جمعی تعریف می‌کند. این فرضیه یادآور نظرات کالج جامعه‌شناسی است و بعدها محور اصلی کارهای میشل مافزولی و افکار او قرار گرفت.

مورن شدیداً تحت تأثیر مفهوم پسامدرنی «تخیل»² قرار داشت که او آن را نه فقط در ارتباط با فرهنگ توده‌ای بررسی کرد که میان خلاقیت زیباشناختی و تولید صنعتی در نوسان است³، بلکه همچنین در ارتباط با نمادهای آشکار در فیلم‌های سینمایی که انعکاس نیاز انسان به دنیای مجازی هستند.⁴ یکی از موردهای جالب «تخیل» شایعه‌ها هستند.

مورن برای مثال فرایند شکل‌گیری، مراحل و پویایی شایعه‌ای را بررسی کرد که در سال 1968 در منطقه اورلئان فرانسه پخش شد. شایعه شد که دخترانی که برای خرید لباس به بوتیک‌های یهودیان می‌روند پس از رفتن به اطاق تعویض لباس

¹ L'Homme et la mort dans l'histoire

² Imaginäre/imaginary

³ vgl. Morin 1962

⁴ vgl. Morin 1956 .

گم می‌شوند و از حرم افراد خوشگذاران سر درمی‌آورند.¹ مورن مشخص کرد که شکل‌گیری و اشاعه شایعه نه در یک مرحله، بلکه در مراحل ساخته می‌شود. پس از مرحله اولیه شکل‌گیری، مرحله فراگستری² می‌آید که در آن هیچکس در موقعیت نیست تا وقوع شایعه را تأیید کند، در حالی که شایعه به سرعت انتشار پیدا می‌کند و سبب شایعات دیگر از این قبیل می‌شود که پلیس هم در جلوگیری از این عمل دخالت نمی‌کند چراکه در تجارت دختران شریک است. سپس دوره ضدحمله شروع می‌شود که در آن شایعه اعتبارش را از دست می‌دهد. همان طور که مورن نشان داده است به دنبال بی‌اعتباری و اشاعه غیرمحسوس شایعه، «افسانه‌های کوچک» شکل می‌گیرند و شایعه‌های کوچک جایگزین شایعه بزرگ می‌شوند. مصداق بارز یک چنین وضعیت به کارگیری عبارات قصار از قبیل «تا نباشد چیزکی مردم نگویند چیزها» که بیانگر باور به واقعی بودن حداقل بخشی از شایعه‌هاست. سرانجام از اجزای باقی مانده، افسانه‌های جدید بعدی سر در می‌آورند. مورن بر این نظر است که شایعه‌ها عناصر موجود در خاطرات جمعی را آشکار و یادآور دوران اشغال، مقاومت و کشمکش‌های سیاسی با کمونیست‌های پس از جنگ دوم جهانی در فرانسه، و سرانجام انعکاس تلاش جامعه برای آشکار کردن حقایق هستند. مورن میان آگاهی، خاطرات جمعی و شایعه‌ها ارتباط نزدیک می‌بیند.

محور «جامعه‌شناسی زیست_انسانی» و تلاش برای طرح مفهوم «انسان‌شناسی جدید» مورن، این فرضیه است که انسان نه فقط موجود «هوشمند»³، بلکه همچنین موجودی «غیرمنطقی»⁴ است.⁵ انسان نه فقط بالقوه عاقل، بلکه بالقوه نامعقول، بی‌ملاحظه و مجنون است. این نظرها محور اصلی انسان‌شناسی عمومی مورن و حاوی همان عناصر است که در کالج جامعه‌شناسی مشاهده می

¹ vgl. Morin 1969

² Metastase/metastasis

³ homo sapiens

⁴ homo demens

⁵ vgl. Morin 1974 .

شود: «به ندرت پیش آمده است - همان طور که در آثار ژرژ باتای (1949) و روژه کالوا (1950) دیده می‌شود - که حیف و میل، سرخوشی و افراط انسان، مفاهیم اصلی در علم انسان باشند. به ندرت ما در باره کیف کردن انسان فکر کرده ایم. در حالی که انسان‌شناسی بنیادی بدون مفاهیمی مانند جشن، رقص، خنده، تشنج، اشک، سرخوشی، کیف، خلسه به دشواری قابل تصور است»¹. بی‌نظمی با خلسه شکل گرفت و بی‌نظمی به جای این که ویرانگر باشد، محرک پیچیدگی بیشتر دنیا شد.

موضوع نوشته‌های اخیر مورن آسیب‌شناسی دوران معاصر است. او دگربار به سراغ مرگ رفته است که در قامت ترور، بمب هسته‌ای و فجایع طبیعی همچون شمشیر داموکلس در بالا سر کره ارض، زمین و آینده می‌چرخد.

4. میشل مافزولی

4.1 زندگی

میشل مافزولی 14 سپتامبر 1944 در گراساساک² واقع در شهرستان اور³ فرانسه در خانواده پدری مهاجر ایتالیایی و تیر و دیرک ساز به دنیا آمد. او نخست در استراسبورگ تحصیل کرد و پس از قبول شدن در امتحان به گرونویل⁴ رفت و در آنجا با جامعه‌شناسی دورکیم و همچنین سنت علوم فرهنگی و انسانی آلمانی آشنا شد. گیلبرت دوران⁵ موسس «مرکز پژوهش‌های خیال»⁶ که شاگرد گاستون باشلار شناخت‌شناس بود معلم او شد. او با راهنمایی دوران در سال 1976 پایان‌نامه

¹ Morin 1974, S.130

² Graissessac

³ Hérault

⁴ Grenoble

⁵ Gilbert Durand

⁶ Centre de Recherche sur l'Imaginaire

دکتری را تحت عنوان پویایی اجتماعی¹ به پایان رساند و از سال 1981 استاد جامعه‌شناسی در دانشگاه سوربن (پاریس 4) شد و توانست کرسی استادی مزین به نام دورکیم را در این دانشگاه تصاحب کند. مافزولی با همکاری ژرژ بالاندیه در سال 1982 «مرکز مطالعات اخبار روزانه»² را بنا نهاد و در حال حاضر مدیر کل «مرکز مطالعات خیال» و قائم مقام موسسه بین‌المللی جامعه‌شناسی است، موسسه‌ای که رنه وُرم آن را 1893 بنیان گذاشت. او در ضمن ناشر گاهنامه‌های «جوامع»³ و «کاپی‌بارای تخیل»⁴ است.

4.2 آثار

نقد جامعه‌شناسی دورکیم در حال حاضر در فرانسه حول محور فهم به ظاهر اقتدارگرایانه یا درک جمع‌گرایانه او از جامعه برمی‌گردد، لیکن مافزولی درک خاص را از جامعه‌شناسی دورکیم دارد که از درک معمول از آن متفاوت است. او بر ویژگی خلاق و زنده جامعه‌شناسی دورکیم تأکید دارد که بازتاب آن در مفاهیمی مانند اصالت حیات⁵ دیده می‌شود.⁶ درک مافزولی از جماعت یادآور درک و بازنگری کالج جامعه‌شناسی تحت تأثیر دورکیم/موس است. او بر این نظر است که امروزه از جامعه به منزله نظام با ثبات، کارکردی با اجزای نهادی منسجم دیگر نمی‌توان سخن گفت و دادن عنوان «مدرن» به جامعه امروزی از اعتبار چندانی برخوردار نیست. مافزولی متفاوت از جامعه‌شناسان فرانسوی دیگر مانند فرانسوا دوبه، برنارد لاهیر، آلن اهرنبرگ یا ژان کلود کافمن از ادعای تغییر و فرسایش خصوصیت نظام یافتگی جامعه به این نتیجه نمی‌رسد که روند فردی شدن برای جامعه خطرناک است و به فروپاشی روابطه

¹ La dynamique sociale

² Centre d'Etudes sur l'Actuel et le Quotidien- CEAQ

³ Sociétés

⁴ Cahiers de l'imaginaire

⁵ Vitalismus/vitalism

⁶ vgl. Maffesoli 1993b .

اجتماعی می‌انجامد، بلکه کاملاً برعکس بر این نظر است که شکل‌های جدید جماعت‌پسامدرن در حال پیدایش هستند.¹ او معتقد است که پسامدرن خود را به مفاهیمی مانند صمیمیت، نمادها، زیباشناختی کردن و اسطوره‌سازی وابسته کرده است و این سبب شده است تا این رویکرد به سمت بررسی شکل‌های اجتماعی خرد کشیده شود که در بطن آن‌ها فردی شدن نفی می‌شود. او روند جامعه‌ای شدن به این شکل را «قبیله‌گرایی»² یا «نوقبیل‌گرایی»³ می‌نامد. منظور او این است که به این ترتیب در شرایط زندگی پسامدرن شکل‌های مذهبی و اسطوره‌ای جماعتی شدن دوران پیش‌مدرن از نو بازتولید شده‌اند. جماعت بر این اساس و لزوماً مفهومی پیش‌مدرن نیست، بلکه اصل اجتماعی محوری پسامدرن شده است.⁴

«ضرب‌آهنگ زندگی» در پسامدرن «یکنواخت» است، بدون آن که تحت تأثیر اصول یا قوانین عمومی و فوقانی تنظیم شود.⁵ اساس هماهنگی این ضرب‌ها نیروی تقویت‌کننده «جامعه‌شناسی کاربردی»⁶ یعنی نزدیکی محلی، عاطفی و لمس اعضای گروه‌های خرد است. مافزولی فکر «نوقبیل‌گرایی» را در آثار بعدی با مفهوم «چادرنشینی»⁷ تکمیل کرد.⁸ که چشم انداز تکمیلی قبیل‌گرایی و عنوانی نمادین برای اشاره به واقعیت «بی‌وطنی» شیوة زندگی اجتماعی در شرایط کنونی است.

مافزولی به ویژه توجه خاص به زندگی روزمره و اعمال «پیش‌پا افتاده» در آن دارد. تلاش این اعمال معطوف به نادیده گرفتن ضرورت‌های نهادی و اجتماعی، دور زدن، تضعیف و

¹ vgl. Maffesoli 2000a; 2002a .

² Tribalismus/tribalism

³ Neotribalismus/neotribalism

⁴ vgl. Maffesoli 2003; 2004,

⁵ vgl. Maffesoli 2004

⁶ proxémie/proxemics

⁷ Nomadismus/nomadism

⁸ vgl. Maffesoli 1996b

مانع تراشی در راه تحقق اهداف آنهاست. او نه فقط مانند کالج جامعه‌شناسی شکل‌های جدید جماعت‌ها، بلکه روند بی‌بندوباری و هزینه کردن جامعه به نفع فرد را بررسی کرد.¹ مافزولی به اعمال بررسی شده در زندگی روزمره عنوان «جامعه‌جویی»² داد. مواد جامعه‌جویی با این تعبیر کنشگران گروه‌های دوستی، باندها، دسته‌ها و جماعت‌های غیررسمی موقت هستند که تصادفی شکل می‌گیرند و منحل می‌شوند.³ مافزولی با توجه به تعریف خود از «جامعه‌جویی» دو نوع قدرت را از یکدیگر متمایز می‌کند: قدرت «اجتماعی»⁴ و «اجتماع‌وار»⁵. قدرت اجتماعی در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی به خصوص با ابعاد اجتماعی دیوانسالاری مشخص می‌شود. قدرت اجتماع‌وار بر عکس با استناد به باتای به اشکال غیرمولد اشاره دارد، قدرت سازمان‌نیافته‌ای که منشا آن جمع، در ضمن محرک نیروهای نمادین_تخیلی است. مافزولی برای توصیف این وضعیت با استناد به مورن و دُوران از مفاهیم «تخیل پسامدرنی»⁶ و جامعه‌جویی «پیچیده» استفاده کرد.⁷

مافزولی به‌منظور تزئین نظریه‌اش از آثار جامعه‌شناسان آلمانی مانند ماکس وبر، ماکس شلر، آلفرد شوٲس، توماس لاکمن و به ویژه گئورگ زیمل استفاده کرد. او از گئورگ زیمل مفهوم «شکل»⁸ را به عاریت گرفت. مفهوم «شکل» به عقیده او در حال حاضر مناسبترین مفهوم برای نشان دادن ارزش جنبه نمادین در زندگی امروزی انسان است. درک مافزولی از شکل

¹ Maffesoli 1986 .

² Sozialität/sociality

³ vgl. Maffesoli 1998a

⁴ Sozial/social

⁵ Sozietal/societal

⁶ Maffesoli 2002b, S. 155; 2004

⁷ Maffesoli 1986, S. 26, 98

⁸ vgl. Maffesoli 2002c, S. 774ff.

گرایی¹ با ساختن واژه نو² همراه است. از این ره‌یافت نظری و روش‌شناختی می‌توان برای تفسیر روابط اجتماعی مشخص در جامعه پسامدرن استفاده کرد. جماعت‌ها و به عبارتی «قبیله‌ها» از درون همین روابط اجتماعی سردر می‌آورند، پس شکل محل ارجاع برای تحلیل روندهای خرد در زندگی روزمره در جامعه پسامدرن است. در این نوع جامعه نیاز فزاینده به نزدیکی، دادن جنبه زیباشناختی و اسطوره‌ای به شکل‌های خرد اجتماعی شدن تشدید شده است. البته همان طوری که در فهم زیمل از شکل اشاره شد، درک مافزولی نیز از شکل ثابت نیست، بلکه شکل‌ها به مدل‌های مفهومی خاص بستگی دارند و حاصل تأثیرات فرافردي زندگی انسان‌ها با یکدیگر هستند.

بسیاری بر این نظر هستند که فرارفتن از مرزهای نظم اجتماعی در جامعه پسامدرن خطری است که جامعه کنونی را تهدید می‌کند، مافزولی - کاملاً مشابه با کالج جامعه‌شناسی یا قوم‌شناسی ویکتور ترنر³ - بر خلاف این به مرززدایی و فرارفتن از مرزهای موجود کارکرد رهایی‌بخش و سازگارکننده نسبت می‌دهد. به عقیده او در مقابل «جماعت دیونوسوسی»⁴ که پا را از مرزهای «معمول» بیرون می‌گذارند، «جامعه عقلانی-مکانیکی پرومیتئوسی»⁵ قرار دارد. او به این ترتیب جماعت‌های داوطلبانه که در نشست‌های کالج جامعه‌شناسی تبلیغ می‌شدند را در مقابل جریان اتمی شدن اجتماعی قرار می‌دهد. مافزولی معتقد است که این گونه جماعت‌ها «قبایل جدید» در دوران پسامدرن، و واقعیتی انکارناپذیر این نوع جوامع هستند. او این فرضیه را رد می‌کند که فردی شدن شکل غالب و شاید تنها شکل موجود روابط اجتماعی در جامعه‌های مدرن است و در مقابل آن ضدفرضیه جنبش‌های جماعتی جدید را می‌گذارد که همواره در حال پیشروی و تغییر شکل هستند.

¹ Formismus/formism

² Neologismus/neologism

³ vgl. Turner 2000

⁴ dionysisch-kollektive Sozialität/dioysian collective sociality

⁵ Prometheische rational-mechanische Gesellschaft / promethean rational-mechanical society

5. برونو لاتور

5.1 زندگی

برونو لاتور 22 ژوئیه 1947 در بون¹ واقع در بورگوند² فرانسه در خانواده‌ای شرابساز به دنیا آمد و در دیژون³ فلسفه، انسان‌شناسی و تفسیر انجیل خواند. لاتور در اولین مقاله خود به نوشته شارل پگی⁴ پرداخت که یکی از مخالفان دورکیم بود. لاتور 1975 پایان‌نامه دکتری را نوشت و از دانشگاه تور⁵ فارغ‌التحصیل شد و به خدمت سربازی رفت. در اثنای خدمت نظام در افریقا به علوم اجتماعی علاقه‌مند شد و مطالعه‌ای قوم‌نگارانه درباره روش‌های فرانسوی برای صنعتی کردن در آبیجان⁶ تحریر کرد. او 1975 در مشاهده مشارکتی در موسسه سالک⁷ کالیفرنیا شرکت کرد و نتایج آن را همراه با استیو ولگار⁸ در بررسی جامعه‌شناختی علم تحت عنوان زندگی «آزمایشگاهی: ساخت اجتماعی واقعیت‌های علمی» انتشار داد (1979)، لیکن در سال‌های بعد دیدگاه ساخت‌گرایی اجتماعی مطالعه فرهنگ‌ها را کنار گذاشت و «نظریه کنشگر_شبکه»⁹ را در حوزه جامعه‌شناسی علم و فناوری تکامل داد که در چهارچوب آن در کنار پژوهشگر، موضوع پژوهش نیز از جایگاه کنشگری برخوردار است. لاتور در سال 1984 رساله استادی خود را در «مدرسه عالی مطالعات علوم اجتماعی»¹ به اتمام و از آن دفاع کرد. او در نوشته‌های خود در

¹ Beaune

² Burgund

³ Dijon

⁴ Charles Péguy (1873–1914)

⁵ Tours

⁶ Abidjian

⁷ Salk

⁸ Steve Woolgar

⁹ Aktor-Netzwerk-Theorie-ANT

دهه 90 به سمت تحلیل جامعه معاصر و پردازش نظریه عمومی در باره جامعه کشیده شد. لاتور از سال 1991 استاد جامعه‌شناسی در مدرسه عالی ملی معدن پاریس² و همچنین استاد مهمان در مدرسه اقتصاد و علوم سیاسی لندن است.

5.2 آثار

لاتور بر خلاف مورن، بودریار یا مافزولی افکار کالج جامعه‌شناسی را نپذیرفت، به رغم این از جمله جامعه‌شناسان پسامدرن به حساب می‌آید، زیرا اجزای عمده این تفکر مانند تردید در باره جدایی طبیعت و فرهنگ یا مفهوم دورگی³ را پذیرفت. لاتور در مرحله اول پژوهش علم هنوز ساخت‌گراست، بنابراین تولید شناخت علمی را با شاخص ساختار اجتماعی، شکل‌های سازمانی موسسات تحقیقاتی و آزمایشگاه‌ها و همچنین کنش متقابل اجتماعی میان کنشگران شرکت‌کننده در فرایند تحقیقات توضیح می‌دهد. در چارچوب این دیدگاه دانشمندان موضوعات علمی را تولید می‌کنند.⁴ بنابراین، این درست است که در آزمایشگاه شرایط مصنوعی است، لیکن نتایج به دست آمده «واقعیت‌های سخت» و غیرمستقیم تحت تأثیر شرایط اجتماعی قرار دارند.

او پژوهش در باره تولید دانش در علوم طبیعی را به تولید و ساختن مصنوعات فنی انتقال داد و موفق شده به اصطلاح نظریه کنشگر_شبکه⁵ را تکامل دهد. لاتور در این دوره بر این نظر بود که مبانی نظریه ساخت‌گرایی اجتماعی⁶ اعتبار کلی ندارد و این فرض درست نیست که تمام چیزها اجتماعی ساخته می‌شوند. او معتقد بود که باید جنبه اجتماعی را در کنار فناوری و طبیعت توضیح داد.

¹ Ecole des Hautes Etudes en Sciences Sociales (EHESS)

² Ecole Nationale Supérieure des Mines

³ Hybridisierung/hybridization

⁴ vgl. Latour/Woolgar 1979; Latour 1987

⁵ Akteur-Netzwerk-Theorie (ANT)/ Actor-network theory (ANT)

⁶ Soziale Konstruktionismus/ social constructionism

او به این ترتیب در مرحله دوم خلاقیت فکری خود به تمایز گذاشتن میان طبیعت و جنبه اجتماعی شک کرد و به این نتیجه رسید که در ساخت معرفت نه فقط کنشگر انسانی نقش سازنده دارد، بلکه همچنین عناصر مادی و غیرانسانی نیز نقش کنشگر را پیدا می‌کنند - برای مثال در بازکن برقی. به نظر او کنشگران غیرانسانی (مصنوعات، حیوانات، باکتری‌ها و غیره) نیز از توانایی کنش برخوردارند. از آنجا که انسان‌ها و همچنین ماشین‌ها در ارتباطی ساختار ساز و کنش متقابل قرار دارند و از آنجا که مصنوعات در زنجیره‌ای شبکه مانند ساخته می‌شوند، بنابراین مرز میان جنبه اجتماعی و مادی چندان آشکار نیست. برای مثال وقتی کسی با اسلحه کشته می‌شود، پرسش این است که آیا انسان یا اسلحه عامل بوده‌اند. هر دو کارگزار در عمل درگیر هستند، طوری که به نظر لاتور کنشگر دو رگه‌ای از اسلحه و قاتل شکل می‌گیرد. تمام دستگاه‌های «عمل کننده»¹ چه اجتماعی و چه مادی - آن طور که لاتور آن‌ها را می‌نامد - با شبکه‌های بی‌شمار با برنامه‌های عمل خاص خود و در ارتباط میان معرفت و مصنوع ساخته می‌شوند.² بنابراین برای این که بتوانیم این پیوند متقابل را تحلیل کنیم، بررسی فرایندهای اجتماعی به خودی خود کافی نیستند. او با استناد به مفهوم گابریل تارد می‌نویسد که نه فقط جنبه اجتماعی، بلکه باید «تجمع‌های»³ متعارض بررسی شوند.⁴

فکر بنیادی لاتور بر این فرضیه بنا شده است که جدایی فرض شده در چهارچوب مدرن میان جامعه و طبیعت به تحریف خصوصیات هر دو می‌انجامد: طبیعت چیزی فهمیده می‌شود که انسان را احاطه کرده، بنابراین انسان باید بر آن غلبه و آن را مطیع گرداند. جامعه برعکس محصول نیت‌مند و عقلانی عمل انسان فهمیده می‌شود. فکر تقابل مستقیم میان طبیعت و جامعه حاصل چنین فکری است و بر این اساس انسان در جامعه مدرن همواره در مسیر دخالت علمی و فنی در طبیعت در حرکت است. حاصل این دخالت آن طور که تصور می‌شد صرفاً سلطه

¹ Aktanten/actants

² vgl. Latour 1999

³ Assoziationen/ associations

⁴ Latour 2001b, S.361 .

بر طبیعت نیست، بلکه مخلوق ترکیبی است که می‌توان آن را «دورگه» نامید. نظارت منطقی و کارآمد بر این موجود دورگه به هیچ وجه امکان‌پذیر نیست - برای نمونه می‌توان به نتایج متعارض و پیچیده به دست آمده از تغییرات زیست‌محیطی اشاره کرد - و تنها محصول این تعارض، فکر قرار دادن جامعه به منزله ذهنیت مستقل در برابر طبیعت است که این هم توهمی با نتایج اسفناک است. این‌گونه مدرن از یک سو با «کار وساطت» مرزهای میان طبیعت و جامعه را درمی‌نورد و با این کار زمینه را برای شکل‌گیری شبکه‌های پیچیده متشکل از ویژگی‌های طبیعی و اجتماعی و در نتیجه به تولید دورگه‌ها دامن می‌زند و از سوی دیگر با «کار پاکسازی»¹ تلاش می‌کند خیال جدایی انسان از طبیعت منبعث از تفکر روشنگری را حفظ کند، این خیال که طبیعت و جامعه اصولاً در مقابل یکدیگر قرار دارند. بنابراین مدرن به معنای واقعی هیچگاه «مدرن» نبوده است.

اگر دورگی تشخیص داده نشود و همواره انکار شود، به نظر لاتور بدون امکان نظارت اشاعه پیدا خواهد کرد و باید آن را خطر بالقوه به حساب آورد. باید شرایطی فراهم شود تا «مجلس چیزها» در برابر دورگی قرار گیرد،² مجلسی که در آن قانون اساسی جدید نوشته شود که بتوان به کمک آن بر دوگانگی میان سوژه و ابژه، تولید و محیط‌زیست و همچنین طبیعت و جامعه غلبه کرد. «مجلس چیزها» باید گوش شنوا برای شنیدن دورگی داشته باشد و امکان «تجمع میان کنشگران انسانی و غیرانسانی» را فراهم کند،³ تا در آن وظیفه جدید «زیست‌بوم سیاسی» انعکاس پیدا کند.

6. تأثیرات نظریه‌های پسامدرن

کلود-لوی اشتروس⁴ در بازنگری جامعه‌شناسی فرانسه، کالج جامعه‌شناسی را یکی از مهمترین نهادهای شناخت جامعه در فرانسه می‌داند. کالج - در تفاوت وضعیت و بازنگری آن در آلمان - در نظریه

¹ Latour 1998, S.50

² Latour 2001a

³ Latour 2001a, S. 128

⁴ 1971, S. 508

ها و رشته‌های تخصصی بی‌شمار در فرانسه حضور دارد، به خصوص تأثیر آن بر افکار میشل فوکو و تأثیرپذیری او از نظریه هدیه منبعث از نظرات موس و نظریه ناهمگونی زبانی¹ باتای آشکار است. کالج به علاوه بر فلسفه ژاک دریدا، ایمانوئل لویناس و ژان-لوک نانسی، روان‌کاوی ژاک لاکان، قوم‌شناسی، جنبش ضد فایده‌گرایی در علوم اجتماعی² و همچنین نظریه‌سازان پسامدرن اخیر از جمله ادگار مورن، ژان بودریار و میشل مافزولی تأثیر گذاشت. کالج، مورن، بودریار و مافزولی در جامعه‌شناسی فرانسه تحت عنوانی «جامعه‌شناسی تفسیری»³ و جامعه‌شناسی لاتور تحت عنوان جامعه‌شناسی علم و فناوری بررسی می‌شود. وجه مشترک نظریه پسامدرن در جامعه‌شناسی فرانسه طرح مفاهیمی مانند «دورگه»، نقد خرد، از خود بیگانگی، خلسه یا خیال است، ضمن آن که در میان آن‌ها نوعی نزدیکی با پیشکسوتان جامعه‌شناسی مشاهده می‌شود. کالج، مورن و مافزولی به مکتب دورکیم استناد می‌کنند، ضمن آن که مافزولی به علاوه به گئورگ زیمل و لاتور به گابریل تارد نیز استناد می‌کنند. نظریه‌سازان جدید جامعه‌شناسی پسامدرن در تفاوت با کالج با این نظر دورکیم موافق نیستند که جامعه چیزی بیشتر از اجزای تشکیل دهنده آن است. به نظر آن‌ها درک جامعه به منزله کل بی مصرف شده است.

انتقادهای گوناگونی را که به این نظرات می‌شود می‌توان کاملاً خلاصه به شکل زیر ردیف کرد: به کالج انتقاد می‌شود که به روش‌شناسی دورکیم بی‌توجه است؛ جامعه‌شناسی مافزولی از لحاظ تجربی غنی نیست؛ مورن هنوز به آرمان اجتماعی دستیابی به انسان ایده آل باور دارد؛ لاتور به «موجود» غیرانسانی ویژگی‌های مرموز نسبت می‌دهد. به رغم تمام انتقادهایی که به این رویکرد می‌شود، باید اعتراف کرد که اصالت و ویژگی نظریه‌های جامعه‌شناسی پسامدرن فرانسوی در این است که این رویکرد نظری موفق شد به مفاهیم تخیل، دورگی، غیرفایده‌گرایانه، قدسی و ابعاد فراتر از جامعه، حیات تازه بدهد، مفاهیمی که به نظر مارسل موس نظریه‌سازی در جامعه‌شناسی تا این زمان آن‌ها را نادیده می‌گرفت و به آن‌ها بی توجه

¹ Heterologie/ heterology

² mouvement anti-utilitariste dans les sciences sociales

³ vgl. Tacussel 2000

بود، مقوله‌هایی که هانس یواس¹ اخیراً از آن‌ها به عنوان خصوصیات «جامعه‌جویی اولیه»² نام برده است.

7. کتاب‌شناسی

1. آثار (منتخب)

Bataile, G.: *La Part maudite*. Paris 1949.

Bataile, G.: (*Euvres complètes*, Bd. 1: *Premiers Écrits 1922-1940*). Paris 1970.

Bataile, G.: (*Euvres complètes*, Bd. 2: *Écrits posthumes 1922-1940*). Paris 1970.

Bataile, G.: *Die psychologische Struktur des Faschismus*. München 1978.

Bataile, G.: *L'Apprenti Sorcier. Textes Lettres et Documents (1932-1939)*, rassemblés et annotés, par Marina Galletti. Paris 1999.

Caillios, R.: *L'Homme et le sacré*. Paris 1950 (1939).

Caillios, R.: *Le Mythe et l'homme*, Paris 1972 (1938).

Caillios, R.: *Approches de l'imaginaire*, Paris 1974.

Durkheim, E.: *Die elementaren Formen des religiösen Lebens*. Frankfurt/M. 1994.

Hertz, R.: *La prééminence de la main droite. Etude sur la polarité religieuse*. In: Hertz, R.: *Sociologie Religieuse et Folklore*. Avant-propos de Marcel Mauss. Préface de George Balandier. Paris 1970 (1909), S. 84-109.

Hollier, D. (Hg.): *Les microbes, guerre et paix, suivi de Irréduction*. Paris 1984.

Latour, B.: *Les microbes, guerre et paix, suivi de Irréductions*. Paris 1984.

Latour, B.: *Science in Action. How to Follow Scientists and Engineers through Society*. Cambridge 1987.

Latour, B.: *Aramis, ou l'amour des techniques*, Paris 1992.

Latour, B.: *Pasteur und Pouchet: Die Heterogenese der Wissenschaftsgeschichte*. In: Serres, M. (Hg.): *Elemente einer Geschichte der Wissenschaften*. Frankfurt/M. 1994, S. 749-789.

¹ 1996, S. 270-285

² primärer Sozialität/ primary sociality

- Latour, B.: Wir sind nie modern gewesen. Versuch einer symmetrischen Anthropologie. Frankfurt/M. 1998.
- Latour, B.: On Recalling ANT, in: J. Law/J. Hassard (Hrsg.), Actor Network Theory and After. Oxford 1999. S. 15-25.
- Latour, B.: Das Parlament der Dinge: für eine politische Ökologie. Frankfurt/M 2001a.
- Latour, B.: Gabriel Tarde und das Ende des Sozialen. In: Soziale Welt 52/3, 2001b, S. 361-375.
- Latour, B.: Die Hoffnung der Pandora. Untersuchungen zur Wirklichkeit der Wissenschaft, Frankfurt/M. 2002.
- Latour, B./Woolgar, S.: Laboratory Life. The Social Costruction of Scientifie Facts. London 1979.
- Latour, B./Woolgar, S.: Laboratory Life. The Construction of Scientific Facts London 1986.
- Leiris, M.: Die eigene und die fremde Kultur. Ethnologische Schriften Bd. 1, Frankfurt/M. 1985.
- Maffesoli, M.: Logique de la domination. Paris 1976.
- Maffesoli, M.: La violence totalitaire. Paris 1979.
- Maffesoli, M.: L'ombre de Dioysos. Contribution á une sociologie de l'orgie Paris 1982.
- Maffesoli, M.: La connaissance ordinaire. Précis de sociologie comprehensive. Paris 1985.
- Maffesoli, M.: Der Schatten des Dionysos. Zu einer Soziologie des Orgasmus, Frankfurt/M. 1986.
- Maffesoli, M.: Au creux des apparences. Paris 1990.
- Maffesoli, M.: Die Gesetze des Geheimen. In: D. Kamper/C. Wulf (Hg.), Schweigen. Berlin 1992, S. 300-307.
- Maffesoli, M.: La contemplation du monde. Figures du style communautaire. Paris 1993a.
- Maffesoli, M.: Vitalismus und Naturalismus als epistemologische Grundlagen einer Soziologie de Alltags.
In: Jung, T./Müller-Doohm, S. (Hg.): "Wirklichkeit" im Deutungsprozeß. Frankfurt/Main: Suhrkamp, 1993b, S. 482-494.
- Maffesoli, M.: Eloge de la raison sensible. Paris 1996a.
- Maffesoli, M.: Du nomadisme. Vagabondages initiatiques. Paris 1996b.
- Maffesoli, M.: La conquête du présent, sociologie de la vie quotidienne. Paris 1998a (1979).
- Maffesoli, M.: Le mystère de la donjunction. Montpellier 1998b.

Maffesoli, M.: Le temps des tribus. Le déclin de l'individualisme dans les sociétés postmodernes. 3. Aufl. Paris 2000a (1988).

Maffesoli, M.: L'instant eternal. Le retour du tragique dans les sociétés postmodernes. Paris 2000b.

Maffesoli, M.: Eloge de la connaissance ordinaire. In: Le Monde, 23. April 2001.

Maffesoli, M.: La transfiguration du politique: la tribalisation du monde post moderne. Paris 2002a (1992).

Maffesoli, M.: La part du diable. Précis de subversion postmoderne. Paris 2002b.

Maffesoli, M.: Das ästhetische Paradigma. Soziologie als Kunst. In: Wulf, C./Kamper, D (Hg.): Logik und Leidenschaft. Erträge historischer Anthropologie. Berlin 2002c, S. 771-781.

Maffesoli, M.: Notes sur la postmodernité. Le lieu fait lien. Paris 2003.

Maffesoli, M.: Le rythme de la vie. Variations sur les sensibilités postmodernes. Paris 2004.

Mauss, M.: Die Gabe. Form und Funktion des Austauschs in archaischen Gesellschaften. Frankfurt/M. 1990.

Mauss, M.: Soziale Morphologie. Über den jahreszeitlichen Wandel der Eskimogesellschaften. In: Mauss, M.: Soziologie und Anthropologie. Bd. 1, 2. Aufl. Frankfurt/M. 1999, S. 183-278.

Morin, E.: L'An zéro de l'Allemagne. Paris 1946.

Morin, E.: Das Jahr Null. Ein Franzose sieht Deutschland. Berlin 1948.

Morin, E.: L'Homme et la mort dans l'histoire. Paris 1951.

Morin, E.: Le Cinéma, ou l'Homme imaginaire. Paris 1956.

Morin, E.: L'Esprit du temps. Essai sur la culture de masse. Paris 1962.

Morin, E.: La Rumeur d'Orléans. Paris 1969.

Morin, E.: Das Rätsel des Humanen. Grundfragen einer neuen Anthropologie. München 1974.

Morin, E.: La Méthode, 5 Bde. Paris 1977ff.

Morin, E.: Sociologie. Paris 1984.

Morin, E.: Penser l'Europe. Paris 1987.

Morin, E./Kern, A.B.: Terre-Patrie. Paris 1993.

Morin, E.: Mes démons. Paris 1994.

2. منابع ثانوی

- Bohn, C./Hahn, A.: Pierre Bourdieu. In: Kaesler, D. (Hg.): *Klassiker der Soziologie*. Bd. 2. München 2000, S. 252-271.
- Bürger, P.: *Ursprung des postmodernen Denkens*. Weilerwist 2000.
- Degele, N./Simms, T.: Bruno Latour (1947). Post-Konstruktivismus pur. In: Hofman, M. L./Korta T./Niekisch, S. (Hg.): *Culture Club. Klassiker der Kulturtheorie*. Frankfurt/M. 2004, S.259-275.
- Eßbach, Wolfgang: Das Formproblem der Moderne bei Georg Lukacs und Carl Schmitt. In: Göbel, A. et al. (Hg.): *Metamorphosen des Politischen*. Frankfurt/M. 1995, S. 137-155.
- Huyseen, A./Scherpe, K.R. (Hg.): *Postmoderne. Zeichen eines kulturellen Wandels*. Hamburg 1986.
- Joas, H.: *Die Kreativität des Handelns*. Frankfurt/M. 1996.
- Junge, M.: *Soziologie der Simulation: Jean Baudrillard*. In: Moebius, S./Peter, I. (Hg.): *Französische Soziologie der Gegenwart*. Konstanz 2004, S. 325-354.
- Keller, R.: *Wiederkehr des Dionysischen? Logik und Formen alltäglicher Vergemeinschaftung bei Michel Maffesoli*. Erscheint 2005.
- Keller, T.: *Deutsch-französische Dritte-Weg-Diskurse. Personalistische intellektuellendebatten in der Zwischenkriegszeit*. München 2001.
- Keller, T.: *Sociologues de la joie – Edgar Morin und Nicolaus Sombart*, Manuskript 2003.
- Keller, T. *Einfranzösischer Lebenssoziologie: Michel Maffesoli*. In: Moebius, S./Peter, L. (Hg.): *Französische Soziologie der Gegenwart*. Konstanz 2004. S. 355-378.
- Krämer, H. L.: *Die Durkheimianer. Marcel Mauss (1872-1950) und Maurice Halbwachs (1877-1945)*. In: Kaesler, D. (Hg.): *Klassiker der Soziologie*. Bd. 1. München 2000, S. 252-277.
- Lévi-Strauss, C.: *Tristes, Tropiques*. Paris 1955.
- Lévi-Strauss, C.: *French Sociology*. In: Gurtich, G./Moore, W. E.: *Twentieth Century Sociology*. New York 1971, Kapitel XVII, S. 503-537.
- Liotard: *La condition postmoderne. Rapport sur le savoir*. Paris 1979.
- Meuser, M.: *Der Alltag, die Familie und das Individuum: Jean-Claude Kaufmann*. In: Moebius, S./Peter, L. (Hg.): *Französische Soziologie der Gegenwart*. Konstanz 2004, S. 269-295.
- Moebius, S.: *Die soziale Konstituierung des Anderen. Grundrisse einer poststrukturalistischen Sozialwissenschaft nach Lévinas und Derrida*. Frankfurt/ New York 2003.

- Moebius, S./ Peter, L. (Hg.): Französische Soziologie der Gegenwart. Konstanz 2004.
- Moebius, S./Peter, L.: Neue Tendenzen der französischen Soziologie. In: Moebius, S./Peter, L. (Hg.): Französische Soziologie der Gegenwart. Konstanz 2004, S. 9-77.
- Moebius, S.: Bio-Anthropo-Soziologie: Edgar Morin. In: Moebius, S./Peter, L., (Hg.): Französische Soziologie der Gegenwart. Konstanz 2004, S. 237-265.
- Moebius, S.: Homme de la science, homme de l'action, homme du mythe. Die internen Krisen des Collège de Sociologie (1937-1939) und die Tage danach In: Asholt, W./Bock, H. M. (Hg.): Lendemains. Études comparées sur la France/Vergleichende Frankreichforschung, Heft 110/111, 28. Jhrg., Tübingen 2003, S. 162-179.
- Moebius, S.: Das Sakrale und die Heterologie. Das Collège de Sociologie (1937-1939), Georges Bataille und die Wirkungen auf Foucault, Lévinass und Derrida. In: C. Klingenmann et al. (Hg.): Jahrbuch für Soziologiegeschichte. Wiesbaden 2005a. Im Erscheinen.
- Moebius, S.: Die Zauberlehrlinge. Soziologiegeschichte des Collège de Sociologie. Konstanz 2005b (im Erscheinen).
- Müller, H.-P.: Emile Durkheim. In: Kaesler, D. (Hg.): Klassiker der Soziologie. Bd. 1. München 2000, S. 150-170.
- Simms, T.: Soziologie der Hybridisierung Bruno Latour. In: Moebius, S./ Peter, L. (Hg.): Französische Soziologie der Gegenwart. Konstanz 2004, S. 379-393.
- Tacussel, P.: La sociologie interpretative. Un tournant postempiriste dans les sciences humaines en France. In: J.-M. Berthelot (Hg.): La sociologie française contemporaine. Paris 2000, S.117-125.
- Turner, V.: Das Ritual. Struktur und Anti-Struktur. Frankfurt/M. 2000